



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

صفت قادر

صفت قادر، یک از [صفت خداوند](#) می‌باشد که به معنای توانا و توانمند معنا شده که در آیاتی از [قرآن](#) هم به آن اشاره شده است.

فهرست مندرجات

- ۱ - واژ‌شناسی قادر و قدير
- ۲ - قادر و قدير در قرآن و حديث
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

واژ‌شناسی قادر و قدير

صفت «قادر (توانا/ توانمند)»، اسم فاعل از ماده «قدر»، و صفت «قدير (پُر توان/ بسیار توانا)»، فعل به معنای فاعل از ماده «قدر» است و بر اندازه و غایت و نهایت شیء، دلالت دارد. «قَدْرُ الشیء» یعنی: «اندازه آن» و «قَدْرْتُ الشیء» یعنی: «آن چیز را اندازه گذاردم» و «قَدْرْتُ علی الشیء» یعنی: «بر آن، نیرو یافتم/ بر [انجام دادن] آن، توانا گشتم» و اسم از این فعل، «قَدْرَت» است و «قَدِر» و «قادر» می‌تواند [بر گرفته] از «قَدْرَت» یا «تَقْدیر» باشد. از آنجا که صفت «مقتدر» و «مُقتَب» و «مُهْمین»، از لحاظ معنا به دو صفت «قَدیر» و «قادر» نزدیک‌اند، به این صفت نیز اشاره می‌کنیم: صفت «مقتدر»، اسم فاعل از اقتدر، یقتدر، اقتدار، از ماده «قدر» است و اقتدار بر یک شیء، یعنی توانایی بر آن. [این](#) [اثر](#) می‌گوید: در نام‌های خدای متعال، قادر و مقتدر و قدير هست. قادر، اسم فاعل از «قدر، یقدر» است و قدير، فعل از آن ماده و برای مبالغه است و مقتدر، مفعول از «اقتدر» و بلیغ‌تر از «قادر» و «قَدیر» است. صفت «مُقتَب» اسم فاعل از «قوت» است که بر نگهداری و توانایی بر چیزی دلالت دارد. مقتبت، یعنی نگاه‌بان و شاهد و توانا و بسیار توانا، و «مُهْمین»، بر وزن مفعیل از ریشه «امن» و اصل آن «مؤمین» است که همزه‌اش بدل به هاء شده است. مهمین، یعنی: [رَقیب](#)، [شاهد](#)، قائم به امور آفریده‌ها و ایمنی بخش. (وجه ارتباط مهمین (با معانی یاد شده)، به نام‌های قادر و قدير، دانسته نیست).

قادر و قدير در قرآن و حديث

در [قرآن کریم](#)، صفت «قَدیر»، ۴۵ بار

[۱] [انعام/سوره ۶، آیه ۳۷](#)

[۲] [انعام/سوره ۶، آیه ۶۵](#)

[۳] [اسراء/سوره ۱۷، آیه ۹۹](#)

[۴] [قیامه/سوره ۷۵، آیه ۴](#)

[۵] [طارق/سوره ۸۶، آیه ۸](#)

[۶] [مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۹۵](#)

[۷] [معارج/سوره ۷۰، آیه ۴](#)

و صفت «قادر»، با ساخت مفرد و جمع، دوازده بار و صفت «مقتدر»، با ساخت مفرد و جمع، چهار بار و صفت «مُقتَب»، یک بار و صفت «مُهْمین»، یک بار به کار رفته است. همچنین، صفت «قَدیر»، ۳۵ بار مضمون «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ همانا خدا بر هر چیزی تواناست» و چهار بار با صفت «[علیم](#)» و یکبار با صفت «[غفور](#)» و یکبار نیز در هر یک از تعابیر: «عَفْوًا قَدِيرًا؛ بخشنده توانا» و «اللَّهُ قَدِيرٌ؛ خدا تواناست» و «كُلُّ رَبِّكَ قَدِيرٌ؛ پروردگار تو تواناست» به کار رفته است.

[۸] [قمر/سوره ۵۴، آیه ۵۵](#)

[۹] [کهف/سوره ۱۸، آیه ۴۵](#)

[۱۰] [یس/سوره ۳۶، آیه ۸۱](#)

[۱۱] [احقاف/سوره ۴۶، آیه ۳۳](#)

[۱۲] [قیامه/سوره ۷۵، آیه ۴](#)

[۱۳] [مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۱۸](#)

[۱۴] [مرسلات/سوره ۷۷، آیه ۲۳](#)

[۱۵] [قمر/سوره ۵۴، آیه ۴۴](#)

[۱۶] [زخرف/سوره ۴۳، آیه ۴۲](#)

[۱۷] [نساء/سوره ۴، آیه ۸۵](#)

[\[۱۸\] حشر/سور ۵۹، آیه ۲۳.](#)

[\[۱۹\] نحل/سور ۱۶، آیه ۷۰.](#)

[\[۲۰\] روم/سور ۳۰، آیه ۵۴.](#)

[\[۲۱\] شوری/سور ۴۲، آیه ۵.](#)

[\[۲۲\] فاطر/سور ۳۵، آیه ۴۴.](#)

[\[۲۳\] ممتحنه/سور ۶۰، آیه ۷.](#)

[\[۲۴\] نساء/سور ۴، آیه ۱۴۹.](#)

[\[۲۵\] ممتحنه/سور ۶۰، آیه ۷.](#)

[\[۲۶\] فرقان/سور ۲۵، آیه ۵۴.](#)

آیات و احادیث، بر آن است که هستی آفریده‌ها نشانه توانایی خداست. نیز توانایی خدا، مطلق است و خدای سبحان، به هر امر ممکن تواناست و مانند آفریده‌ها، بر برخی امور توانا و از انجام دادن اموری دیگر، ناتوان نیست. توانایی آفریده‌ها از جانب خدای متعال است، در حالی که توانایی خداوند عزوجل ذاتی است و معلول موجود دیگری نیست و از همین رو، دیرینه و جاوید است. در برخی احادیث و تفاسیر آمده که صفت «مقیّت»، به معنای صفت «مقتدر» است

[\[۲۷\] قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۴۵](#)

[\[۲۸\] قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر القرطبی، ج ۵، ص ۲۹۶](#)

[\[۲۹\] صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۲۳.](#)

و صفت «مهیمن» در برخی احادیث، یعنی «المهیمن بقدرته؛ نگاهین (مُشرف) با توانایی خود»

[\[۳۰\] صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۵، ص ۴۴۴، ح ۴۳۳۲.](#)

و در «خَلَقَ فَاتَّقَىٰ وَاقَامَ فِتْهِيْمًا»؛

[\[۳۱\] طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۵۱، ح ۳۲.](#)

[\[۳۲\] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۹۳، ح ۲.](#)

آفرید و استوار داشت و به پا داشت و اشراف یافت».

پانویس

۱. [↑ انعام/سور ۶، آیه ۳۷.](#)

۲. [↑ انعام/سور ۶، آیه ۶۵.](#)

۳. [↑ اسراء/سور ۱۷، آیه ۹۹.](#)

۴. [↑ قیامة/سور ۷۵، آیه ۴۰.](#)

۵. [↑ طارق/سور ۸۶، آیه ۸.](#)

۶. [↑ مؤمنون/سور ۲۳، آیه ۹۵.](#)

۷. [↑ معارج/سور ۷۰، آیه ۴۰.](#)

۸. [↑ قمر/سور ۵۴، آیه ۵۵.](#)

۹. [↑ کهف/سور ۱۸، آیه ۴۵.](#)

۱۰. [↑ یس/سور ۳۶، آیه ۸۱.](#)

۱۱. [↑ احقاف/سور ۴۶، آیه ۳۳.](#)

۱۲. [↑ قیامة/سور ۷۵، آیه ۴۰.](#)

۱۳. [↑ مؤمنون/سور ۲۳، آیه ۱۸.](#)

۱۴. [↑ مرسلات/سور ۷۷، آیه ۲۳.](#)

۱۵. [↑ قمر/سور ۵۴، آیه ۴۴.](#)

۱۶. [↑ زخرف/سور ۴۳، آیه ۴۲.](#)

۱۷. [↑ نساء/سور ۴، آیه ۸۵.](#)

۱۸. [↑ حشر/سور ۵۹، آیه ۲۳.](#)

۱۹. [↑ نحل/سور ۱۶، آیه ۷۰.](#)

۲۰. [↑ روم/سور ۳۰، آیه ۵۴.](#)

۲۱. [↑ شوری/سور ۴۲، آیه ۵.](#)

۲۲. [↑ فاطر/سور ۳۵، آیه ۴۴.](#)

۲۳. [↑ ممتحنه/سور ۶۰، آیه ۷.](#)

۲۴. [↑ نساء/سور ۴، آیه ۱۴۹.](#)

۲۵. [↑ ممتحنه/سور ۶۰، آیه ۷.](#)

۲۶. [↑ فرقان/سور ۲۵، آیه ۵۴.](#)

۲۷. [↑ قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۴۵](#)

۲۸. [↑ قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر القرطبی، ج ۵، ص ۲۹۶](#)

۲۹. [↑ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۲۳.](#)

۳۰. [↑ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۵، ص ۴۴۴، ح ۴۳۳۲.](#)

۳۱. [↑ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۵۱، ح ۳۲.](#)

۳۲. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۹۳، ح ۲.](#)

[محمدی ری‌شهری، دانش‌نامه عقاید اسلامی، ج ۶، ص ۴۶۷، برگرفته از «مقاله‌قادر، قدیر».](#)

رده‌های این صفحه: [صفت الهی](#) | [صفت نبوتی](#) | [قدرت الهی](#) | [معناشناسی صفت الهی](#)